هواللّه

عاشق را نزد معشوق اظهار هستی و خودبینی جایز نه اگر خطوه‌ئی از این سبیل تجاوز نماید از عشّاق محسوب نه

نکند عشق نفس زنده قبول

نکند باز موش مرده شکار

بلی بعضی از عاشقان اظهار صدمات و شداید خود را در پیشگاه محبوب امکان نموده‌اند و مقصود از آن اشتغال با محبوب و اصغای حضرت مقصود بوده نه ذکر نفس و هوی حال قاصدی از اعلی مقاصد عزّ مقصود نازل و بکلماتی ناطق است بفهمید که که میگوید و چه میگوید تاللّه لو عرفتم و علمتم ما ورآء ستر الکبریآء من اسرار ربّکم العلیّ الأعلی لفدیتم بأنفسکم حبّاً للّه مالک الأسمآء باری قاصد معهود حکایتی ذکر نموده که وقتی در طور اشراق بودیم و محبوب آفاق بقصد جبل هاء بیرون تشریف بردند و بعجز تمام از مدّعیان محبّت رجا فرمودند که این سفر و هجرت اگرچه بظاهر سهل و آسان است ولکن در باطن شدید و باب امتحان و اگر بصورت بسلطنت و اقتدار مشهود لکن در معنی بمحنت و اضطرار لایحصی مکنون عرض خود مبرید و زحمت بر خود مدهید و بگذارید تا بنفس خود هجرت نمایم آنچه کلمات محبّت‌آمیز و شفقت‌انگیز بود تلویحاً و تصریحاً فرمودند مفید نیفتاد این بنده و جمعی بادّعای آنکه زادی بجز رضای دوست نخواهیم و مقصودی جز وجه محبوب نداریم بگمان خود معتکف و از نصح و یقین دوست غافل عزم سفر نمودیم و با طلعت محبوب هم‌سفر و هم‌سیر گشتیم قدری که بادیه پیمودیم نار حبّ مخمود و جمال شوق محجوب تا آنکه از آن مقام تجاوز نمودیم حسنات را سیّئات شمردیم و سیّئات را عین حسنات دانستیم تا آنکه وارد جزیرهٴ خضرا شدیم فلک الهی در آن ارض روحانی بر جودیّ امر مستوی گشت و بعد بمراکب هوی در بیدای ظنون و اوهام در صبح و شام سائر بودیم گاهی مجتمع و گاهی متفرّق و گاهی بحبّ و گاهی بغفلت ایّام و لیالی بسر میبردیم سلسبیل بیان در کلّ احیان از کوثر فم رحمن جاری ولکن عطش مفقود و انوار وجه از افق اجلال مشرق ولکن اقبال غیر موجود هر روز بر وهم و گمان افزودیم و از توجّه بحقّ کاستیم و با این احوال غیر مرضیّه و شئونات غیر لائقه چنان در غمرات غفلت و هوی غرق شدیم که از احوال خود هم غفلت نمودیم و در جمیع احوال طلعت محبوب را با کمال شفقت و ملاطفت ملاحظه مینمودیم بعضی از ما متحیّر که اگر احاطهٴ علمیّهٴ الهیّه موجود چگونه میشود با این افعال ردّیّه مقبول شویم بالأخره حقّ را غافل و خود را عاقل و عالم شمردیم غافل از آنکه رحمت کبری مانع است از هتک استار و اگر خدمتی نمودیم اتبعناه بالمنّ و الأذی و بعد از آن ارض ارادهٴ هجرت فرمودند و مجدّداً کلّ را از حضور منع نمودند مستشعر نشدیم و متنبّه نگشتیم که علّت منع چیست و سبب چه مرّة اخری هجرت نمودیم و با حضرت مقصود بادیه‌ها پیمودیم تا آنکه وارد ارض اخری شدیم و با دوست در یک محلّ آرمیدیم و سرّاً بهوای نفس مشغول گشتیم تا آنکه آتش هوی غلبه نمود و از منظر ابهی ممنوع شدیم و از کثرت لقا قدر وصال از نظر افتاد و پردهٴ حیا از هم درید و حال محبوب را در محلّی حبس نموده‌ایم و در کلّ حین از سهام ظنون و رماح اوهام بقدر وسع و قوّه بر او دریغ نمیداریم چه که محبوس و مسجون و فریدش یافته‌ایم غفلت بمقامی رسیده محلّی را که جمیع ملأ اعلی باو ناظرند و از او مستمدّ در آن محلّ مبارک جهرة باقبح کلمات ناطقیم و باضلّ اعمال و اخسر آن عامل فتبّاً لنا ما اثّرت فینا کلمات اللّه و مع‌ذلک متنبّه نشدیم و اقلّاً اگر وفا ننمودیم جفا ننمائیم نه شبی بذکری ذاکر و نه بتوجّهی مشغول

 حکایت کنند که فضیل خراسانی کان من اشقی العباد و یقطع الطّریق انّه عشق جاریة و اتاها لیلة فصعد الجدار اذاً سمع احداً یقرأ هذه الآیة أ لم یأن للّذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر اللّه و اثّر فی قلبه فقال بلی یا ربّی آن و حان فرجع و تاب و قصد بیت اللّه الحرام و اقام فیه ثلاثین سنة الی ان صعد روحه الی الأفق الأعلی عجب است که کلمة اللّه را از لسان یکی از عباد شنید و چنان مؤثّر افتاد که در یک آن از حضیض امکان بافق رحمن راجع شد و این عباد در لیالی و ایّام متتابعاً متوالیاً نغمات نفس رحمانی را از لسان قدرت و عظمت استماع نمودیم و آنقدر تأثیر ننموده که اقلّاً بقبح افعال و اعمال و ظنون و اوهام خود مطّلع شویم حکایت که باین مقام رسید فلک بیان بر جودیّ لسان منصعق و مدهوش و قلم از بیان منقطع و بیهوش لن یصیبنا الّا ما کتب اللّه لنا نسأل اللّه ان یفتح ابصارنا و یعرّفنا انفسنا و اعمالنا ان لم نوفّق علی معرفة نفسه سبحانه نوفّق علی معرفة انفسنا الغافلة و یکشف عن وجوهنا الحجبات المانعة لنراه مشرقاً عن افق الفضل و العنایة و ننقطع عمّن فی الامکان و الأکوان و نتوجّه الیه بکلّنا انّه هو ربّنا الرّحمن و نسأله ان یوفّقنا علی التّوبة و الانابة فی کلّ صباح و مسآء و یحفظ مشرق انوار وجهه عن رماح احبّائه لأنّه ما اراد معیناً سواه و انّه مبدأه و مثواه و یقول لا اله الّا اللّه

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر